عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات ـ صدیقه نصیراوغلی خیابانی، ناهید رئیسی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۷ ـ ۱۰۹

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات

صدیقه نصیراوغلی خیابانی*
ناهید رئیسی**

چکیده: هدف از ابتلای پیامبران و اولیای الهی به مصایب، استحقاق بیشتر آنان برای کسب درجات است، اما هدف از ابتلای انسان‌های عادی، تذکر، توبیخ و کفارهٔ گناهان یا آزمون الهی و یا رشد و تکامل آنهاست. پس حوادث و مصایب تلخ و ناگوار زندگی، افراد را در مسیر رشد و کمال، یا زیان و ضلال قرار می‌دهند تا سره از ناسره شود جدا و تمامی شعارها و ادعاها با اعمال آزموده، درجه صبر و شکیبایی آشکار و عیار ایمان افراد معلوم گردد. در این مقاله، عوامل مصیبت با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بررسی می‌شود تا روشن گردد که آیا مصیبت از جانب خداوند بوده و با عدالت او ناسازگار است و یا خود انسان نیز در آن نقش دارد؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مصایب کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: مصیبت، ابتلا، قرآن، صبر، عدالت.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. khiabani2001@hotmail.com
**. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مقدمه

انسان طی قرون و اعصار هرگز از مصایب به دور نبوده و نحوه برخورد او با آنها بستگی به شخصیت وجودی، معرفت الله و معرفت النفس‌اش داشته است. معرفت الله به شناخت او از خداوند تبارک و تعالی و حکمت پنهان در هر مصیبتی که بدون دخالت انسان اتفاق می‌افتد منجر می‌شود و معرفت النفس به شناخت او از نفس "ضعیف"، "جهول"، "هلوع" ای می‌انجامد که خود با ناسپاسی، انجام گناه، تقصیر و قصور، موجب اصابت مصیبت می‌گردد.

همان گونه که نعمت‌های الهی بستر آزمون انسان‌هاست تا میزان شکر آنها هویدا شود؛ نقمت‌ها، ناکامی‌ها، نداری‌ها و کاستی‌ها نیز زمینه‌ساز آزمایشی هستند که میزان صبر و شکیبایی و عیار ایمان انسان‌ها را مشخص می‌کند و موجب گزینش بهترین‌ها می‌شود.

سنگ طلای استخراج شده از معدن در کوره آتش، ذوب می‌گردد، ناخالصی‌اش جدا می‌شود و طلای خالص به دست می‌آید. انسان‌ها نیز در کورهٔ ناملایمات و مصیبت‌های زندگی و بلایا و سختی‌ها خالص‌تر می‌شوند و ناخالصی‌های نفسانی آنها کنار می‌رود.

اصابت مصیبت در مواردی که انسان نقشی در آن نداشته باشد، با عدالت خداوندی در تناقض نیست، بلکه در صورت برخورد صحیح انسان می‌تواند باعث افزایش درجه خلوص، قرب بیشتر الهی، اجر معنوی و درس آموزی به دیگران شود. همچنان که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

انّ البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للأنبیاء درجة و للأولیاء کرامة (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ۱۴۰۹ ق: ص ۶۳۱)

بلا بر ظالم ادب نمودن، برای مؤمن امتحان، برای انبیاء درجه، و برای اولیاء،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

کرامت است.

البته برخورد نادرست، ناشکیبایی و اعتراض و برخورد از موضع ضعف نیز می‌تواند به عوارض بسیاری از جمله بیماری و ضعف و شکست بیانجامد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در مورد مصیبت و برخورد صحیح با آن بهترین شارح و راهنما است که پیروی از آنها در این مورد به سعادت انسان منجر می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی مصیبت

«مصیبة»، اسم فاعل باب افعال از مادۀ «صَوب» به معنای رسیدن چیزی از بالا (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۷ ص ۱۶۷)، نزول شیء و استقرار یافتن آن در محل و جایگاهش می‌باشد، مانند نزول باران. (ابن فارس، بی‌تا: ج ۳ ص ۳۱۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۶ ص ۳۵۴)

اما در معنای مصیبت، راغب، اصل واژۀ مصیبة را در تیرانداختن دانسته و سپس آن را مخصوص سختی و دشواری معنا کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ص ۴۹۵)

معانی دیگری که برای این واژه بیان شده، عبارتند از: آنچه از زمانه به انسان اصابت می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج۱ ص ۳۱۴)، امور مکروه و ناپسند (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۲ ص ۱۰۱)، بلا، سختی و هر پیشامد بد (بستانی، ۱۳۷۵ش: ص ۳۸۱)، و بلیّه و گرفتاری که به انسان می‌رسد، گویی که انسان را قصد می کند. (قرشی، ۱۳۷۷ش: ج ۴ ص۱۵۹)

اما مصیبة در اصطلاح قرآن و روایات، عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبه‌رو شود – چه خیر و چه شر– لیکن جز در وقایع مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص۴۳۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج۱، ص ۵۳۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ج۲، ص۱۰۱) همچنین به مشقّتی که در روح انسان اثر می‌کند گفته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۱۲۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

وجوه معنائی مصیبت در قرآن

واژه "مصیبت"۱۰ بار و در ۹ سوره قرآن کریم به کار رفته که بیشتر به معنای فرا رسیدن زمان مرگ بوده است: فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ (المائده: ۱۰۶)، یا رنج و سختی و بلایا: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ. (الشوری: ۳۰)

حقیقت مصیبت

طبیعت زندگی، جاذب مصیبت‌ها و سختی‌ها و پیشامدهاست. آفرینش انسان بنایی است که عناصرش را درد و غم و سختی و مصیبت و دشواری و بلا و ابتلا تشکیل داده است. اگر برخورد انسان با مصایب و رنج‌ها و سختی‌ها هماهنگ با دستورات حضرت حق باشد، سعادت همه جانبهٔ انسان در پرتو آن تضمین می‌گردد.

حضرت علی علیه‌السلام در خطبهٔ متقین در مورد مردان خدا می‌فرماید:

صبروا أيّاماً قصيرة أعقبتهم راحة طويلة، تجارة مربحة يسّرها لهم ربّهم. أرادتهم الدّنيا فلم يريدوها و أسرتهم ففدوا انفسهم منها. (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۳)

در روزگار کوتاه دنیا، صبر کردند، آنگاه تا آسایش و راحتی جاوید را به دست آورند، تجارتی پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده است. دنیا می‌خواست آنها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند، که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

پس یکی از صفات برجستهٔ اهل تقوا، بردباری در مصیبت‌ها است.

منشأ مصیبت

قرآن کریم منشأ مصیبت را در برخی موارد، از جانب خود انسان معرفی می‌کند:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (الشوری: ۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

از بسیاری در می‌گذرد.

در این خصوص، منشأ مصیبت را در دو عامل زیر می‌توان جستجو کرد:

الف) قصور و سوءتدبیر

گاهی انسان ـ خواسته یا ناخواسته ـ در اصولی کوتاهی نموده و یا به واسطهٔ سوءتدبیر، سرنوشت خود یا دیگران را تغییر می‌دهد. سزاوار است در برخورد با این گونه اشتباهات، علاوه بر جبران مافات، از پروردگار حکیم درخواست توفیقات بیشتر نماید.

ب) گناهان

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

توقّوا الذّنوب، فما من بلية و لا نقص رزق الّا بذنب حتى الخدش و الكبوة و المصيبة. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰، ص ۳۵۰)

از گناهان بپرهیزید که هیچ بلا و کمبود روزی‌ای نیست مگر به خاطر گناهی (که انجام می‌دهید)، حتی خراشی که بر بدن وارد می‌شود، لغزیدن و به زمین خوردن (شما) و مصیبتی که بر روح و پیکرتان وارد می‌گردد (از آثار گناهان شماست).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

اما انّه ليس من عرق يضرب، و لا نكبة، و لا صداع، و لا مرض الّا بذنب. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۲۶۸)

آگاه باشید اگر رگی از رگ‌های انسان به ضربان افتد، یا پایش به سنگ خورد، یا سرش درد بگیرد، یا مریض شود، به خاطر گناهی است که مرتکب شده است.

همچنین حضرت علی علیه‌السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

اللّهمّ اغفر لي الذّنوب الّتي تنزل النقم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

خدایا گناهانی را بر من ببخش که باعث نزول بدبختی می‌شوند.

از سویی صبر بر مصایبی که به انبیاء و اوصیای آنان می‌رسد، یکی از کمالات بزرگ مردان خدا بوده و باعث ترفیع مقام و درجات آنان در بهشت و تقرب بیشتر آنها به پروردگار می‌گردد.

اهمیت و حکمت مصیبت‌ها

الف) حکمت آزمون الهی

یکی از علل آزمایش‌های الهی، پرورش استعدادهای نهفتهٔ انسان و کشف گوهرهای درونی اوست. آدمی در کوران آزمایش الهی همانند سنگ معدنی می‌ماند که در کوره‌های آتشین نهاده می‌شود تا ناخالصی‌های آن جدا گردد و دُرّ گرانبهای درون آن آشکار گردد. (سبحانی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۲۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ص ۵۲۸)

امتحان، همان‌گونه که برای شکوفایی استعداد انسانی در امور دنیایی سودمند است، در تعیین هدف اخروی نیز نقش مؤثری دارد: جهنم برای کافران و یا بهشت برای مومنان؛ و این هدف با امتحان و آزمایش میسر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ذیل آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ آل‌عمران)

امام صادق علیه‌السلام از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که فرمود:

انّ عظیم البلاء یکافا به عظیم الجزاء. و اذا احبّ الله عبداً ابتلاه بعظیم البلاء؛ فمن رضي فله الرّضا عند الله عزّ و جلّ و من سخط البلاء فله السخط. (ابن‌بابویه، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۱۸؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص۳)

به سبب بلای بزرگ، پاداش بزرگ داده می‌شود و چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را به بلایی بزرگ گرفتار می‌کند. هر کس راضی باشد، خشنودی خداوند را در پی دارد، و هر کس خشمگین شود، به خشم خدا گرفتار شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

ب) حکمت مصایب و بلایای الهی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الأَرْضِ وَلا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (الحدید :۲۲)

هیچ مصیبتی، نه در زمین و نه در نفس‌های شما، [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است.

آیات الهی، بر ارتباط میان اعمال انسان و نظام عالم تأکید دارد. این تأثیر و تأثرات به اقتضای سنّت‌های الهی است، مگر اینکه سنّت دیگری از وقوع چنین حوادثی ممانعت به عمل آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۸، ص ۸۶)

بیشتر مصیبت‌هایی که بر انسان وارد می‌شود، با عمل خود انسان ایجاد شده، اما از آنجا که خداوند، مهربان و رئوف است، اکثر این بلاها را دفع می‌کند و بسیاری از آن‌ها را می‌بخشد تا از سر لطف و رحمت، آثار گناهان را از انسان‌ها بازدارد. (قطب راوندی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۵۶)

اگر خداوند به بندگان خود مهربان نبود، به یقین کردارهای انسان، سبب هلاکت تام و تمام او می‌شد؛ زیرا انسان‌ها هر روز در گناهی جدید غوطه‌ور می‌شوند و خشم الهی را متوجه خود می‌گردانند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش: ج ۱۲، ص ۳۵۶)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

ان الله یخص اولیاءه بالمصائب لیأجرهم علیها من غیر ذنب. (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ۱۴۰۹ ق: ص ۶۳۱)

خداوند مصایب را به اولیای خود اختصاص داده تا آنان را که گناه نکرده‌اند پاداش دهد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

اقسام مصیبت در قرآن و روایات

آیات ابتلا، آزمایش الهی را شامل تمام جهات وجودی انسان و هر چیزی که به نحوی مرتبط با وی باشد می‌شمرد.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (التغابن: ۱۵)

اموال شما و فرزندانتان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما]یند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

خداوند انسان‌ها را با هر دو قسم مصیبت می‌آزماید، هم با تنگ‌دستی و دشواری [نقمت] و هم با غنا و راحتی [نعمت]. انسان در تنگ‌دستی و دشواری با «صبر» و در غنا و راحتی با «شکر» آزموده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً. (الأنبياء: ۳۵)

و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود.

۱. آزمایش و ابتلا از طریق امنیت و آسایش

خداوند هر فردی یا امتی را به وسیلهٔ خاصی که متناسب با اوضاع روحی و اجتماعی اوست، می‌آزماید. یکی از طرق اجرای سنّت ابتلای الهی، بسط دنیوی است. قرآن کریم می‌فرماید:

فَإِذَا مَسَّ الإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ. (الزمر: ۴۹)

و چون انسان را آسیبی برسد، ما را فرا می‌خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: آن را فقط به دانش خود یافته‌ام. نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه خطبه ۱۱۴ می‌فرماید:

ستایش، خداوندی را سزاست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد. خدای را بر نعمت‌هایش آن گونه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

ستایش می‌کنیم که بر بلاهایش.

نعمت بودن نعمت، به نوع عکس‌العمل انسان در برابر آن نعمت بستگی دارد که شاکر باشد یا کفور. هم‌چنین نقمت بودن نقمت، به نوع عکس‌العمل انسان در برابر آن بستگی دارد، که صابر و خویشتن‌دار باشد یا سست عنصر و بی‌اراده. (مطهری، همان: ص ۱۸۴)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. (الحدید: ۲۳)

تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

۲. ابتلا در بعد تنگی رزق و گرسنگی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (العنکبوت: ۶۲)

خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا] بر او تنگ می‌سازد؛ زیرا خدا به هر چیز داناست.

در روایات نیز این مسئله بارها و بارها مطرح شده و سخنان گرانقدری از ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در این باره به ما رسیده است.

حضرت علی علیه‌السلام دربارهٔ رزق و روزی چنین می‌فرمایند:

و قدّر الارزاق فكثّرها و قلّلها و قسّمها على الضّيق و السّعة، فعدل فيها ليبتلى من اراد بميسورها و معسورها، و ليختبر بذلك الشّكر و الصّبر من غنيّها و فقيرها. (نهج البلاغه، خ۹۱)

روزی انسان‌ها را تقدیر (اندازه‌گیری) فرموده؛ گاهی کم، و زمانی زیاد، و به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرده تا هر کس را بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را بیازماید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

خداوندا، مرا طاقت بر سختی و مشقت، و شکیبایی بر بلا، و قدرت بر تنگدستی نیست. پس روزی‌ام را منع مکن و مرا به خلق خود وامگذار، بلکه خود به تنهایی نیاز مرا برآور و خودت کارساز من باش. (صحیفه سجایه، ۱۴۱۸ ق: دعای ۲۰)

اما علل و عواملی که موجب تنگی معاش می‌شوند عبارت‌اند از:

الف. تن‌پروری و راحت طلبی و شانه از زیر بار مسئولیت خالی کردن؛ چنانچه امام صادق علیه‌السلام از پدرش نقل فرموده که امام علی علیه‌السلام می‌فرمود:

کسی که مالک آب و خاک است و در فقر و تهی‌دستی بر سر می‌برد، خداوند او را از رحمت خود دور می‌سازد. (حمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۵۵)

ب. زیاده‌روی در صرف مال در هنگام تمکن؛ چنانچه حضرت علی علیه‌السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

اللّهمّ اغفرلي الذّنوب الّتي تغير النعم.

ج. اخلاق مذموم و سوء معاشرت با مردم؛ حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

کسی که اخلاقش بد است، در مضیقهٔ روزی قرار می‌گیرد. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۳۵۴)

در مقابل، راه‌های برطرف‌کردن مضیقهٔ مالی و تنگدستی عبارت‌اند از:

الف. کار و فعالیت؛ چنان‌که در روایت آمده که کلیب صیداوی می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: از خدا بخواهید گشایشی به رزق من عطا فرماید؛ زیرا وضعم به هم ریخته و مشکل شده است. حضرت بدون وقفه و با سرعت فرمود: **لا، اخرج فاطلب.** (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۵، ص ۷۹)

دعا نمی‌کنم، و دنبال کار برو.

ب. میانه‌روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ در این باره حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

می‌فرماید:

المنجيات فخوف الله في السّرّ و العلانية، و القصد في الغنى و الفقر، و كلمة العدل في الرّضا و السّخط. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۷، طبرسی، ۱۳۸۵ق: ص ۲۹۵، فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۵۵)

سه چیز نجات‌بخش است: اول خوف از خداوند در پنهان و آشکار؛ دوم میانه‌روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ سوم رعایت عدل و حق در حال رضا و خشم.

ج. زدودن گناه؛ حضرت علی علیه‌السلام به کمیل‌بن زیاد فرمود:

يا كميل قل عند كلّ شدّة: «لا حول و لا قوّة الّا بالله» تكفها، و قل عند كل نعمة: «الحمد لله» تزدد منها، و اذا ابطأت الارزاق عليك فاستغفر الله يوسّع عليك فيها. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص۲۸۸)

ای کمیل، در هر سختی و مشکلی بگو «لا حول و لا قوة الا بالله» تا آن مشکل و سختی برطرف شود. در هر نعمتی بگو «الحمد لله» تا افزون گردد. و چون روزی‌هایت دیر رسید، استغفار کن تا [خدا] در آن‌ها گشایش دهد.

د. حسن‌خلق و معاشرت نیکو با مردم؛ حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

حسن خلق، روزی را زیاد می‌کند و آدمی را از نعمت بیشتری برخوردار می‌سازد. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج۱، ص ۴۱۱)

۳. ابتلا از طریق اموال و اولاد

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. (التغابن: ۱۵)

جز این نیست که اموال و فرزندانتان برای شما وسیلهٔ آزمایش هستند و خداوند است که پاداشی بزرگ نزد اوست.

کلمهٔ فتنه به معنی گرفتاری‌هایی است که جنبهٔ آزمایشی دارد. اموال و فرزندان،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

از مهم‌ترین وسایل امتحان انسان هستند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: خدای عزّ و جلّ خطاب به موسی علیه‌السلام فرمود:

و اعلم انّ کل فتنةٍ بدوها حبّ الدّنیا. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۱۳۶)

آگاه باش! آغاز هر فتنه، دوستی دنیاست.

یکی از مهم‌ترین ابزار آزمایش، مال و ثروت است.

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: **المال مادّة الشهوات.** (نهج البلاغه، ح ۵۸)

ثروت، ریشهٔ شهوت‌هاست.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

ایاك ان تمنع في طاعة الله فتنفق مثلیه في معصیة الله. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۰۸)

مبادا در راه خدا از صرف مال دریغ کنی؛ در این صورت دو برابرش را در نافرمانی خدا خرج می‌کنی.

خدای حکیم در مورد نیکان می‌فرماید:

رِجَالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ. (النور:۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، و بر پاداشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲۶)

۴. ابتلا از بُعد حوادث اجتماعی

برخی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها به دست خود انسان‌ها ایجاد می‌گردد و این گرفتاریها تحت عنوان فتنه‌ها وسیله‌ای جهت آزمایش انسان‌اند.

عوامل مؤثر در بروز فتنه‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

۴-۱. جهل و نادانی

۴-۲. ترس

مردم در زمان جاهلیت در جهل و نادانی به سر می‌بردند و بعد هم از خلفا و حکومت زمان خود می‌ترسیدند و جرئت حرف‌زدن نداشتند، این مطلب در زمان‌های مختلف تجربه شده است.

۴-۳. عدم اطاعت از رهبری معصومین

اطاعت امت از امام، شرط تکمیل کنندهٔ امامت است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

فان معصية الناصح الشفيق العالم المجرّب تورث الحسرة و تعقب النّدامة. (نهج‌البلاغه، خ ۳۵)

بدانید که نافرمانی از دستور فرد خیرخواه مهربان دانا و باتجربه، مایهٔ حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است.

۴-۴. دوستی با شیطان و تسلط او بر انسان

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. (النساء: ۱۱۹)

و هر کس به جای خدا، شیطان را سرپرست خود گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل ضرر و زیان در زندگی آدمی، وجود شیطان است. شیطان وقتی از درگاه خداوند رانده شد، به عزت خداوند سوگند یاد کرد که همهٔ بندگان خدا را گمراه نماید.

شیطان در گمراه کردن هر کسی نمی‌تواند توفیق یابد، همان گونه که خودش در ادامه سوگندش بیان کرده که نمی‌تواند بر بندگان مخلص خدا مسلط شود:

إلّا عبادك منهم المخلصين. (النساء: ۸۳)

مگر آن بندگان پاک دل تو را.

۴-۵. همنشینی با اهل فسق و فجور

نقش دوست در زندگی انسان بسیار مهم است. دوست خوب باید چنان باشد که نگاه به او انسان را به یاد خدا بیندازد و عاملی برای عبادت بیشتر خداوند باشد، نه عامل دوری از یاد خدا و عامل تشویق به گناه باشد وگرنه چنین شخصی از اعوان و انصار شیطان بوده و عامل خسران و ضرر می‌باشد.

امام صادق علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید:

اقطع عمن تنسيك وصلته ذكر الله و تشغلك الفته عن طاعة الله، فان ذلك من اولياء الشيطان و اعوانه... فان ذلك هو الخسران المبين العظيم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۱۶۰)

قطع رابطه کن با آن کسی که دوستی با او تو را از یاد خدا بازمی‌دارد، و الفت و دوستی با او تو را از اطاعت خدا بازمی‌دارد، پس چنین کسی از اولیا و یاران شیطان است... و این دوستی همانا زیانکاری آشکار و بزرگی است.

از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، می‌توان با استعانت از صبر، دعا، صدقه، مناجات با خدا، استغفار، مراقبت و محاسبهٔ نفس، نیت پاک خالص، جبران گذشته، توبه، ادای حق‌الله، ادای حق‌الناس و... با مصایب برخورد کرد.

۵. ابتلا از بعد سنّت امتحان و املاء و استدراج

۵-۱. ابتلائاتی از جنبهٔ امتحان

امتحان به معنای تصفیه و خالص‌کردن است. «المحنة» معنای کلامی است که به وسیلهٔ آن، شخص آزموده شده، و به واسطهٔ گفتارش ناپیداهای درونی و قلبی‌اش آشکارمی‌گردد.

راغب گوید: «المحن و الامتحان نحو الابتلاء» (امتحان بمانند ابتلاء، آزمودن است). چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى. (الحجرات:۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

آنان همان کسانی هستند که خداوند دل‌هاشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده است.

الف) انتساب امتحان به خداوند

نسبت دادن امتحان به خداوند، از باب مجاز است؛ زیرا امتحان حقیقی از کسی صادر می‌شود که عاقبت امر بر او مکشوف نباشد و بخواهد به وسیلهٔ امتحان آن را معلوم سازد، در حالی که خداوند از عواقب امور کاملاً آگاه می‌باشد. پس امتحان خداوند به معنای این است که بدین وسیله بر افراد اتمام حجّت کند تا نگویند که اگر در فلان موقعیت قرار می‌گرفتیم، فلان کار خیر را انجام می‌دادیم یا از آن کار زشت دست باز می‌داشتیم.

ب) دنیا وسیلهٔ آزمایش

یکی از انواع آزمایش‌هایی که خداوند از انسان به عمل می‌آورد، آزمایش و امتحان با دنیاست. خداوند متعال در باب دنیا و خصوصیات آن، می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلا. (الکهف: ۷)

در حقیقت، ما آنچه را که بر روی زمین است، زیوری بر روی آن قرار دادیم، تا آنان (انسان‌ها) را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

یکی از هدف‌های اصلی پیامبران الهی صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا علیهم السلام این بوده که مردم را از دنیا و دلبستگی بدان نهی کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

یا ایها النّاس انّما الدّنیا دار مجاز و الآخرة دار قرار، فخذوا من ممرّکم لمقرّکم. (نهج‌البلاغه، خ ۲۰۳)

ای مردم، دنیا سرای گذر و آخرت، خانهٔ جاویدان است. اینک، از گذرگاه خویش، برای سرمنزل جاودان توشه برگیرید.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند:

مثل الحریص علی الدنیا کمثل دودة القزّ کلّما ازدادت علی نفسها لفّا کان ابعد لها من

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

الخروج حتی تموت غمّاً. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۲۰۲)

مثل آدمی که حریص به دنیا باشد، مثل کرم ابریشمی است که هر چه بیشتر تار بر خود تَنَد، راه فرارش دورتر می‌شود، تا بالاخره از شدت اندوه و تاریکی زندان پیله بمیرد.

ج) نقش ابتلا و آزمایش در تربیت انسان

والاترین مرتبهٔ تربیت این است که انسان پیوسته خود را در معرض امتحان الهی ببیند و آن را نردبان سیر به سوی مقصدی کند که برای آن آفریده شده است.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

فانّ الذّهب یجرّب بالنّار، و المؤمن یجرّب بالبلاء. (آمدی، ۱۳۶۶ش: ص ۹۹)

همانا طلا با آتش، و بندهٔ صالح با بلا امتحان می‌گردد.

عند الامتحان یکرم الرّجل او یهان. (آمدی، ۱۳۶۶ش: ص ۱۰۰)

هنگام آزمایش است که انسان خود را گرامی یا خوار می‌دارد.

نمونه‌های تربیت الهی در پرتو آزمون‌های گوناگون به مراتب والای کمال دست یافتند، چنان‌که خدای متعال، حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام را پس از ابتلاها و آزمایش‌ها و امتحان‌های فراوان به مقام امامت مردم منصوب کرد. از جمله امتحانهای: فرمان قربانی کردن فرزند (الصافات:۱۰۱و ۱۰۶)، قراردادن زن و فرزند در سرزمین خشک بی‌گیاه (ابراهیم: ۳۷)، مهاجرت از سرزمین بت‌پرستان (مریم: ۴۸)، شکستن بت‌ها (الانبیاء: ۵۷-۶۰)، رفتن در دل آتش (همان: ۶۸) و... پس از اینکه حضرت ابراهیم از همهٔ این امتحان‌ها و آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد، لیاقت امامت را یافت.

البته ابتلا، آزمایش و امتحان به وسیلهٔ آسایش و رفاه و عافیت و راحتی، از امتحان به وسیلهٔ مشکلات و گرفتاری‌ها سخت‌تر است؛ زیرا در این حال، غفلت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

و لغزش آدمی بیشتر است. تنها کسانی می‌توانند مقام شاکر بودن خود را حفظ کنند و به کفران کشیده نشوند که به توفیق الهی امتحان‌ها و آزمایش‌ها را بشناسند و سخت استقامت و پایداری ورزند.

۵-۲. ابتلائاتی از جنبهٔ املاء

از جمله اموری که خداوند متعال انسان‌ها را با آن می‌آزماید، املاء به معنی مهلت دادن است. نعمت مهلت که عطیهٔ حضرت باری تعالی است، باید در اطاعت ذات مقدس خداوند صرف گردد. البته گناه، سرپیچی از اطاعت خداوند است، و همهٔ گناهکاران استحقاق کیفر دارند، اما در خصوص گناهانی که به امنیت عمومی ضرر نمی‌رسانند، خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد و در مجازاتشان تسریع نمی‌کند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۶-۴۵۷) این خود یکی از نعمت‌ها و عنایات بزرگ باری تعالی در حق کسانی است که بخواهند از این مهلت، استفادهٔ صحیح کنند، وگرنه این مهلت، عذابی خفت بار برای آنها به دنبال خواهد داشت. خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ. (آل‌عمران: ۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آن‌گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت.

حضرت علی علیه‌السلام دربارهٔ مهلتی که خداوند به گناهکاران می‌دهد می‌فرماید:

و لئن امهل [الله] الظالم فلن یفوت اخذه، و هو له بالمرصاد علی مجاز طریقه. (نهج‌البلاغه، خ ۹۷)

اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین‌گاه ستمگران است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

امام زین‌العابدین علیه‌السلام دربارهٔ مهلت دادن می‌فرماید:

و استعملني بطاعتك في ايّام المهلة. (صحیفه سجادیه، ۱۴۱۸ق: دعای ۲۰)

بار الها، در ایام عمر که مهلت خودسازی و نیل به کمال انسانی است، مرا به طاعت و فرمانبرداری ذات اقدست وادار ساز.

۵-۳. ابتلائاتی از جنبهٔ استدراج

خداوند، گروهی از انسان‌ها را به منظور ابتلا و امتحان، به فقر و تنگدستی می‌افکند. زمانی که این اقدامات نتوانست آثار مثبتی داشته باشد و آن افراد در این آزمایش‌ها، موفقیتی کسب نکردند، در مرحلهٔ بعد، درهای نعمت را به روی آنها می‌گشاید. وسعت روزی و فراوانی نعمت‌ها در این حالت، امتحان دشوارتری است. برای گناهکاران، نعمت «استدراجی» است و مقدمه‌ای برای مجازات‌های بعدی.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین آمده است:

اذا رايت الله يعطي العبد من الدنيا على معاصيه ما يحبّ فانّما هو استدراج، ثمّ تلا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: فلمّا نسوا ما ذكروا. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ص ۴۶۶)

زمانی که می‌بینی خداوند، در برابر گناهان بنده، به او نعمت می‌بخشد، بدان که «استدراج» است (مقدمه‌ای برای مجازات).

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

انّه من وسّع عليه في ذات يده فلم ير ذلك استدراجاً، فقد أمن مخوفاً. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰،ص ۳۸۳)

کسی که خداوند به مواهب و امکاناتش وسعت بخشد، و آن را مجازات استدراجی نداند، از نشانهٔ خطر غافل مانده است.

آثار و فواید مصایب و بلایای الهی

یک گروه از مصایب، بلیاتی است که از جانب خدا و لازمهٔ حیات این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

دنیاست.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الأَمْوَالِ وَالأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. (البقره: ۱۵۵)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را.

مصایب و بلایایی که حکمت و مصلحت در آنهاست، فوایدی به شرح زیر در بر دارند:

۱. بیشتر این‌گونه مصایب و بلایا به ظاهر مصیبت و بلا هستند، ولی در حقیقت رحمت و نعمتند، مانند مداوای بیمار و معالجه او که بر او دشوار می‌آید، لیکن وسیلهٔ شفای اوست؛ چنانچه در حدیث قدسی آمده است:

ان من عبادي من لا يصلحه الّا الفقر، لو أغنيته لأفسده ذلك. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۱۹۰)

خداوند می‌فرماید که عده‌ای از بندگان من هستند که فقط با فقر، صالح و شایسته می‌گردند؛ پس اگر آنها را بی‌نیاز گردانم، این بی‌نیازی باعث فساد آنان می‌شود.

۲. بسیاری از اخلاق حمیده و صفات حسنه در نتیجهٔ ابتلا به مصایب و گرفتارشدن به بلیات و ناملایمات، حاصل می‌شود، مانند صبر و رضا و تسلیم و حلم و غیر این‌ها. این مصیبت‌ها تأدیب حق برای تربیت خلق است، مانند فرمانده سپاهی که سربازان را به کارهای سخت وامی‌دارد تا ورزیده و کارآزموده شوند.

۳. مصائب، موجب توجه بنده به خدا می‌گردند و غفلتی را که غالباً در اثر متنعم بودن برای انسان حاصل می‌شود برطرف می‌کنند و انسان را به دعا و بسیاری از عبادات و تحصیل علم که در نعمت برای او میسر نمی‌شود موفق می‌گردانند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

۴. امتحان است که برای خود بنده و دیگران، حد معرفت و مقام او را معلوم می‌گرداند.

۵. بسیاری از مصایب و بلاها موجب مثوبت و پاداش اخروی هستند.

۶. برخی از مصایب، عقوبت دنیوی معاصی هستند؛ خدای تعالی می‌فرماید:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ. (الشوری:۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.

۷. بلا و مصیبت موجب غفران گناهان و کفارهٔ معاصی است؛ و هم‌چنین مکافاتی است که باعث عبرت و تنبه دیگران و رسانیدن حق به صاحبان حق و انتقام از ظالمان می‌گردد. و بسیاری از حکمت‌های دیگر که از فهم و ادراک بشر خارج است. (طیب، ۱۳۷۸ش، ج۲، ص ۲۵۴)

عدالت و مصیبت

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن است؛ در برخی از آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان مقام قیام به عدل یاد می‌کند:

شهد الله انّه لا اله الّا هو و الملائکة و اولوا العلم قائماً بالقسطِ. (آل عمران:۱۸)

خداوند گواهی داده است که معبودی جز او شایستهٔ پرستش نیست، و فرشتگان و عالمان که عدالت را بر پا می‌دارند، نیز بر آن گواهی داده‌اند.

خدای بزرگ، عدل را ترازوی الهی در امر آفرینش می‌داند:

وَ السَّماءَ رَفعها و وضع المیزان. (الرحمن:۷)

و آسمان را برافراشت و هرگونه ابزار سنجش (با عدالت) را در میان نهاد.

در ذیل همین آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

بالعدل قامت السماوات و الارض. (فیض کاشانی، ج۲، ص ۶۳۸)

آسمان‌ها و زمین به عدل بر پا است.

قرآن کریم حکمت بعثت و ارسال رسل را حاکمیت عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر می‌داند:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط. (حدید: ۲۵)

همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را برپا دارند.

در مورد پیوند "عدل و مصیبت" آیات بر اساس قرآن و احادیث خاندان وحی دیدیم که مصیبت به هیچ وجه ناقض عدل خداوندی نیست، چرا که اگر از جانب خداست یا برای آزمون و اعطاء درجه، یا برای رشد بنده شایسته، و یا به عنوان کفاره گناه اوست. و اگر در اثر رفتار خود بنده است، باز مجازاتی عادلانه برای اهدافی حکیمانه است، از جمله انذار و هشداری بیدار بخش به بنده خطاکار و اصلاح مسیر زندگی او.

منابع

- قرآن کریم، محمّدمهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- نهج‌البلاغه، محمّد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- الصحیفة السجادیة، ترجمه علی شیروانی، قم، الهادی، ۱۴۱۸ ق.

۱. آمدی، عبدالواحدبن محمّد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

۲. ابن‌بابویه قمی، ابوجعفر محمّدبن علی (شیخ صدوق)، *الامالی*، تهران، انتشارات کتابخانهٔ اسلامیه، ترجمهٔ حسین استادولی، ۱۳۶۰ ش.

۳. ـــــــ *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام، حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.

۴. ابن‌طاووس، علی‌بن موسی بن جعفر، *اللهوف*، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۰ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

۵. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن‌منظور، محمّدبن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۷. بلخی، مقاتل‌بن سلیمان، *تفسیر مقاتل‌بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۸. ثقفی تهرانی، محمّد، *تفسیر روان جاوید*، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۸۹ ق.
۹. امام حسن‌بن علی علیه‌السلام، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرسهٔ امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حجتی، سیدمحمّدباقر، و بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *تفسیر کاشف*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. خمینی، روح‌الله الموسوی، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، قم، انتشارات دریا، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دیلمی، حسن‌بن ابی‌الحسن، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین‌بن محمّد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. ـــــــ *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم، *تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم النبیین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. شرف‌الدین، سیدعبدالحسین، *النص و الاجتهاد*، علی دوانی، تهران، کتابخانهٔ بزرگ اسلامی، بی‌تا
۱۹. طبرسی، فضل‌بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. ـــــــ مشکاة الانوار في غرر الاخبار، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۲۱. طیب، سیدعبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. عبدالباقی، محمّدفؤاد، *المعجم المفهرس الفاظ القران الکریم*، تهران، انتشارات همسفر، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. العروسی حویزی، عبدعلی‌بن جمعه، *نور الثقلین*، عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. فروزانفر، بدیع‌الزّمان، *احادیث و قصص معنوی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
۲۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. قطب، ابن بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبةالله، *الدعوات*، قم، انتشارات مدرسهٔ امام مهدی علیه‌السلام، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. قمی، عباس، *منتهی الآمال*، بیروت، هجرت، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. ـــــــ سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۴ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]

۳۰. ـــــ *مفاتیح الجنان*، موسوی دامغانی. تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. قمی، علی‌بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، دار الکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۳۲. کاشانی، فتح‌الله، *منهج الصادقین*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۳۳. ـــــ تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین، پیام حق، بی‌تا.
۳۴. کراجکی، ابوالفتح، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. کلینی، ابوجعفر محمّدبن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمّد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، منسوب به امام جعفربن‌محمّد علیه‌السلام، تحقیق: مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفهٔ ایران، ۱۳۶۰ ش.
۳۷. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. مجلسی، محمّدباقر بن محمّدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. ـــــ عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. ـــــ *آفریدگار جهان*، قم، مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۶ش.
۴۳. مغنیه، محمّدجواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
۴۴. ـــــ *التفسیر المبین*، قم، بنیاد بعثت، بی‌تا
۴۵. هلالی، سلیم‌بن قیس، *اسرار آل محمّد* صلی‌الله‌علیه‌وآله، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، ۱۴۱۶ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.6.5]